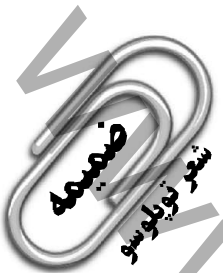


اسلام ستیزی و افسانه های ساختگی

کازیم خان

اورخون ایفبئاسی

اویرنجی شعرلری



## آموزش و زبان مادری

اهمیت زبان مادری در قرن حاضر که به عصر ارتباطات و اطلاعات معروف است بر هیچ کس پوشیده نیست. امروزه حق آموزش به زبان مادری یکی از پایه ای ترین حقوق یک انسان و از بدیهی ترین ارزش های انسانیت به شمار می رود و این اصل هم در قانون اساسی کشورمان (اصل ۱۵ قانون اساسی) و هم در تمامی منشورهای جهانی که از حقوق بشر دفاع می کنند، آمده است. به طوری که سازمان یونسکو برای حفظ، رشد و شکوفایی زبان های موجود دنیا، روز ۲۱ فوریه (۲ اسفند) هر سال را روز جهانی زبان مادری نامگذاری کرده است.

یکی از مهم ترین تحقیقاتی که در مورد اهمیت زبان مادری انجام شده، تحقیقات ژان پیازه (۱۹۸۰-۱۸۹۶) دانشمند سوئسی است. پیازه زندگی خود را صرف اداره یک مؤسسه رشد کودک کرده است. تحقیقات وی در این سال ها بیشتر بر روی مراحل اصلی رشد کودکان و تاثیر آموزش و پرورش روی آن ها بوده است. ایشان به جای مطالعه گروه های بزرگتر مطالعه تفصیلی خود را بر روی نمونه های محدودی از افراد قرار داد. ایشان با قرار دادن یک کودک پنج ساله عادی در جمع کودکان کر و لال دریافت که بعد از یک سال توان گفتاری وی حدود هشتاد درصد کاهش یافت و در آزمایشی دیگر یک کودک سالم را در میان کودکانی که به زبان دیگری تکلم می نمودند قرار داد نتیجه همان بود. توان گفتاری کودک به شدت کاهش یافته بود به طوری که دیگر نمی توانست با کودک هم زبان خود ارتباط برقرار کند. ایشان به این نتیجه رسیدند که این ضایعه نه تنها در مورد توان گفتاری وی بلکه در مورد ماهیت اجتماعی و عقلانی کودک نیز ضایعاتی به بار می آورد.

زبان شناسان معتقدند همه انسان ها از همان دوران کودکی اتوماتیک وار یادگیری قواعد نحوی زبان را شروع می کنند به طوری که فرد بزرگسال که به زبانی سخن می گوید، واژگانی شامل هزاران کلمه دارد و می تواند آن ها را بر اساس قواعد نحوی آن چنان پیچیده ای ترکیب کند که زبان شناسان تمام دوران زندگی حرفه ای خود را صرف کوشش برای پی بردن به آنها کنند. به نظر جامعه شناسان انسان با زبان است که محیط خود را درک می کند و نظام فکری انسان با زبان مادری شکل می گیرد، زبان وسیله بروز خلاقیت است به نظر آن ها آموزش به زبان غیر مادری منجر به کامل نشدن نظام فکری و شخصیتی فرد می گردد که آن هم موجب عوارضی مانند کاهش قدرت بیان، کاهش خلاقیت، کاهش قدرت درک مفاهیم، افت تحصیلی و در نتیجه احساس حقارت و خود کم بینی در افراد می شود و این نه تنها به زبان فرد بلکه به زبان جامعه ای است که کودک در آن رشد می کند.

افت تحصیلی مدارس ابتدایی و راهنمایی مناطق غیر فارس زبان کشورمان بر طبق آمار رسمی آموزش و پرورش دلیلی بر این ادعاست. برای مثال استان آذربایجان غربی بعد از سیستان و بلوچستان دومین رتبه افت تحصیلی را در میان دانش آموزان به خود اختصاص داده است. آیا این دلیلی به غیر از بی توجهی به زبان مادری می تواند داشته باشد؟ چه کسی مسئول این همه فرصت سوزی علمی است؟

چرا با این همه تاکید روانشناسان و کارشناسان دلسوز آموزش و پرورش بر اصل آموزش به زبان مادری مسئولان هنوز در پرداختن به این اصل کوتاهی می کنند؟ امیدوارم این کوتاهی و بی توجهی نسبت به آموزش به زبان مادری یک سیو مدیریتی باشد. به امید روزی که هر دانش آموزی در سراسر دنیا به زبان مادری خویش تحصیل کند.

منابع:

۱. جامعه شناسی آنتونی کیدنز - ترجمه منوچهر صبوری.
۲. Linden ۱۹۷۶, Seidenberg et al ۱۹۷۹.
۳. بررسی مسائل آموزش و پرورش - محمد طاهر معیری.

## باش سوؤز:

اگر دانشگاه مبدا تحولات باشد و دانشجو ذهن پویا و بازوی پرشور و پرشعور جامعه بی دلیل نخواهد بود که جامعه از دانشجو انتظار حس کردن کمبودها و دردهایش را همچون زخمی بر تن خود، داشته باشد. دانشجو نه تنها این دردها و کمبودها را حس می کند و انعکاس می دهد، باید به فکر چاره جویی و عمل نیز باشد.

در انجام این وظیفه، خطر بزرگی که دانشجو را تهدید می کند، گرفتار شدن در دامن افراط و تفریط هاست. هر گونه شتاب زدگی و بی تدبیری نه تنها دردی را دوا نخواهد کرد، بلکه باعث به حاشیه رانده شدن هدف اصلی و در نتیجه از مسیر خارج شدن دانشجو و به وجود آمدن ناهنجاری های مختلف می شود. دانشجو باید مراقب باشد تبدیل به بازیچه ای برای دیگران نشود و همواره دغدغه جامعه خود را داشته باشد.

روزهای حساسی در پیش است و با نزدیک شدن به انتخابات مجلس دردها و کمبودهای جامعه بازگو خواهند شد و انتظارات جامعه از دانشجو (به عنوان بازگو کننده مشکلات) بسیار بالاست. در همین روزهای حساس است که مطالبات دانشجو از وکیل خود علنی خواهد شد.

دانشجوی آذربایجانی علاوه بر مطالبات محلی و درون حوزه ای، مطالبات ویژه ای از نمایندگان خود دارد که بی شک مهم ترین آن حق آموزش به زبان مادری می باشد. کمبودی که مردم آذربایجان به شدت حس می کنند و این درد در دانشگاه با مشاهده جوان تحصیل کرده ولی عاجز از خواندن و نوشتن به زبان مادری چندین برابر می شود.

دانشجو با ذکاوت و تدبیر خاصی که دارد می تواند و باید تمامی کمبودها و نیازهای مهم جامعه را به گونه ای منطقی و به دور از فضای احساسی به گوش وکلای خود برساند.

## اسلام ستیزی و افسانه های ساختگی

پس از گذشت چندین قرن از جنگ های صلیبی میان مسیحیان و مسلمانان و جنایات گسترده غرب در طول این جنگ ها، هیچ گاه اقدامات گستاخانه غرب علیه مسلمانان خاتمه نیافته و از هر فرصتی برای ضربه زدن به اسلام و مسلمانان استفاده می کنند.

با پیشرفت های گسترده که طی قرون اخیر در اروپا و آمریکا حاصل شد و آنان را از لحاظ نظامی و تبلیغاتی به قدرت بلامنازع تبدیل کرد، شرارت ها علیه اسلام شدت گرفت.

تأسیس کشور نامشروع اسرائیل در سرزمین مقدس فلسطین، دخالت در امور داخلی کشورهای مسلمان، استعمار آنان و قتل عام مردم بی گناه مانند آنچه در الجزایر به دست فرانسه روی داد، ایجاد گروهکهای تروریستی نظیر القاعده و یژاک برای ایجاد تفرقه و ناامن کردن منطقه و تروریست جلوه دادن مسلمانان، تحریک ملل غیر مسلمان منطقه علیه مسلمانان مانند آنچه در خلال جنگ جهانی اول روی داد و باعث جنگ های خونین بین ارمنی ها و مسلمانان آذربایجانی گردید که در عصر حاضر نیز جنایات ارامنه همچون جنایات اسرائیل این بار در سرزمین های اشغالی قره باغ ادامه دارد؛ موارد ذکر شده همگی از شرارت های ادامه دار غرب علیه جهان اسلام حکایت دارد.

این در حالی است که جامعه غرب حضور مسلمانان در اروپا و آمریکا را تحمل نکرده است؛ امروزه با وجود قوانین منع کننده حجاب، انتشار کتاب های شیطانی و پیش فرض تروریست بودن مسلمانان، به آسانی می توان به خصومت غرب علیه اسلام و اسلام ستیزی در غرب پی برد.

در این میان مایه تعجب است که چرا غرب در قبال ایده های ضداسلامی خود که در بسیاری موارد به دلیل اهمیت موضوع تحقیق ضروری به نظر می رسد، اجازه تحقیق نمی دهد؟

غرب بر پایه واقعه تاریخی مشکوک هولوکاست، رژیم غاصب را مشروعیت می بخشد، گرچه عدم رد این نظریه تاریخی نیز توجیهی برای این عمل ننگ غرب نخواهد بود ولی رد این نظریه (که بسیار هم محتمل است) مشروعیت اسرائیل را بیش از پیش زیر سوال خواهد برد.

افزون بر این اقدام ناقض آزادی بیان در جامعه ای که خود را مهد آزادی معرفی می کند، چندی پیش قانون مجازات انکار کنندگان کشتار ارامنه توسط مسلمانان عثمانی در خلال جنگ جهانی اول به تصویب رسید. این اقدام نیز علاوه بر جلب نظر نیم میلیون ارمنی ساکن فرانسه نظیر اقدامی که در ایالات متحده برای جلب نظر صهیونیست ها صورت می گیرد، از جنبه های دیگر نیز قابل بررسی است که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. انکار کشتار مسلمانان شیعه در آذربایجان توسط ارامنه در خلال جنگ جهانی اول که به قتل عام صدها هزار نفر از مسلمانان در شهرهای اورمیه، خوی، سلماس و... منجر شد.

۲. سنگین کردن کفه ترازو به نفع اشغالگران ارمنی در مناقشه قره باغ که ارمنستان با سوءاستفاده از آشفتگی های پس از فروپاشی شوروی، به اشغال این منطقه عمدتاً مسلمان نشین پرداخت و باعث کشته شدن ده ها هزار نفر و آوارگی بیش از یک میلیون نفر گردید.

بی شک غرب با اقداماتی از این دست سعی در سرپوش گذاشتن بر جنایات مزدوران صهیونیست و ارمنی خود در منطقه دارد و در سوی مقابل اسلام را تنها علت ناامنی منطقه معرفی می کند.

## قاراباغدا اوتانان وار

زولفون اوزه سالان وار

گئدیرسن تئز قایت گل

گؤزو یولدا قالان وار

## کاظم خان قطره ای از دریای غیرت مردم اورمیہ

کاظم خان در سال ۱۲۴۶ هجری شمسی در روستای قوشچی از توابع محال انزل اورمیہ دیده به جهان گشود. دوره جوانی او مقارن با عمده ترین تحولات اجتماعی جامعه ایران، یعنی نهضت مشروطیت بود و از جهت بین المللی رقابت های امپراطوری ها زمینه جنگ جهانی اول را فراهم ساخت. اهالی انزل که در سطح وسیع به جهت کارگری به قفقاز و عثمانی می رفتند در بازگشت جویای حال وقایع بودند که در دول همجوار می گذشت. به تبع رقابت های فوق، آذربایجان غربی به خصوص منطقه انزل به عرصه تاخت و تاز سربازان روس و دولت های بیگانه تبدیل شده بود و در این میان منطقه انزل به لحاظ بافت خاص اجتماعی و گردنه قوشچی نیز مورد توجه بیگانگان بود و در مبارزه میان آنان، آنچه غارت می شد دارایی و زندگی اهالی انزل بود و آنچه که از آن نشانی نبود حاکمیت دولت مرکزی ایران و بی نصیبی مردم از نعمت امنیت بود.

کاظم خان با شجاعت که پشتوانه درایت وی در امور بود با قطع امید از حکومت مرکزی خود به ساماندهی اهالی غیور منطقه جهت مقابله با اجانب پرداخته و در راه حفظ ناموس و دین مبارزه پیگیری را بنیان نهاد.

کاظم خان در جریان خلع سلاح مردم توسط روس ها از باز پس دادن اسلحه ها خودداری ورزید و در کوه های اطراف پنهان گشت.

سال ۱۲۹۶ مصادف بود با تخلیه منطقه از نیروهای نظامی روس اما این بار متأسفانه نوبت آسوری های رانده شده از کشور عثمانی - جیلو ها - بود که بالای جان مردم منطقه شدند. در این تاریخ ده ها هزار نیروی تا دندان مسلح آسوری مجهز به توپ و مسلسل بعد از کشتار و قتل عام مردم در اورمیہ و عسگر آباد به قوشچی یورش می آوردند. کاظم خان با شجاعت و جان نثاری یاران خویش و با مقاومت و پایداری سرسختانه، تنها توانسته بود حدود نصف مردم قوشچی را از قتل عام آنان برهاند و در جزیره ای که بعدها به ( کاظم خان داشی) معروف گردید حفظ نماید.

سال ۱۲۹۷ ه.ش به خصوص برای اهالی انزل سال مصیبت باری بود. باقی ماندگان قتل عام مذکور گرفتار بالای قحطی و گرسنگی شده بودند و مردم اورمیہ و انزل شاید بدترین مصیبت تاریخ را در جلوی چشمان خود و با تمام وجود درک می کردند. تحت چنین شرایط و اوضاع نابسامانی کاظم خان با درایت خاص خود از فشار قحطی بر مردم کاست.

اما در همین زمان ها اشرار مسلح وابسته به بیگانه به طور وسیع سازماندهی می شدند که یکی از این جریانات در آذربایجان قضیه (سیمیتقو) بود. کاظم خان در جنگ هایی که با نیرو های سیمیتقو داشت بار دیگر مجبور گردید اهالی را به جزیره کوچک کاظم داشی هدایت کند و این بار اهالی به مدت شش سال در این جزیره سنگی به مقاومت و اقامت پرداختند و در این مدت ایثار و فداکاری هایی که انجام می شد شاید در طول تاریخ کم نظیر باشد و از سویی دیگر وجود کاظم خان پشتوانه محکم و گرمی برای اهالی منطقه بود. این جنگ ها عاقبت با پیروزی قطعی کاظم خان و پاکسازی منطقه از دست مهاجمان خون ریز پایان یافت اما این پایان کار نبود. از سویی دیگر کاظم خان به پیشنهاد کنسول انگلیس جواب رد داد و در نهایت این مرد رشید در پیکاری نابرابر با نیروهای رضاخان و یاغیان منطقه بعد از شش سال درگیری به واسطه انفجار بمب دست ساز خویش در سال ۱۳۰۲ ه.ش در سنگر معروف خود - کاظم خان داشی - جان به جان آفرین تسلیم کرد.

## ده یرلی سؤز لر

- باشقالارینی ستوبندیره بیلسنسه اؤزونه ستونج قازانمیشسان. امیل زولا
- کسینلیکله اینانماغا ده یرلی نسنه لر وار، من اؤزوم اینسانلار آراسیندا قارداشلیغا اینانمیشام. انیشین
- بؤیوک ایشین اوز وئرمه سی بؤیوک تصمیمین توتولماسیندان آسیلی دیر. پیت دراکر
- بیر ایش گورمه یین اینسان بانلیشلیغا دوشمز، یانلیشلیغا دوشمه ینده بیر شئی اویرنمز. لوکا پاچولی
- ایستی گولوش اولوسلار آراسیندا محبت دیلی دیر. ویلیام آرتور وارد
- سیزده بیر دیلک و آرؤو وارسا اونا چاتما گوجونوز ده وار. ریچارد باخ
- بیلیمده سؤزه باخارلار دئییه نه یوخ، سیاستده ایسه دئییه نه باخارلار سؤزه یوخ. شریعتی
- بیر کیلمسه یا توپلومون گلیمسه سینین نیشانه سی قارشی دوشونجه سیننی ائشیدیب اونا دؤزمک دیر. شریعتی
- فیکیرلشمه یه دادانماق بییم توپلومون ان اؤنملی نیازی دیر. شریعتی
- بیر ایشین نده نی اولورسا عاغیللی بیر ایشدیر، اولمازسا سئوگیسل ایشدیر. شریعتی

چاغداش ایران جمعیتی نین ۴۰ فیازینی (۴۰٪) تشکیل ائدن تورکلرین اسکی تاریخی آراشدیرارکن راستلاشدیغیم چوخلو فاکتلار قطعی شکیلده گؤستریرکی، آذربایجان تورپاقلاری لاپ ازل باشندان، اورتا آسیا ایله بیرلیکده، تورک ائل، قبیله و خالقلاری نین وطنی اولموشدور. باشقا سؤزله ایفاده ائتمک ایسته سک، آذربایجان او بؤیوک خیالی ائللایسین(بیر تورک دیلی ایل) غرب حیصه سی یئرلریندن دیرکی، اونون بیر مرکزی، خزر دیزی، دیگر مرکزی ایسه آریق و بائکال گؤلدور.

تاریخ گؤستریر کی، تورک ائلری تاریخ بویو مختلف دؤرلرده، چئشیدلی سببلره اساساً بویو خیالی ائللایسیندن کنارلارا یاییلیب یاشامیش و مدنیتلر قورموشلار. بو آخینلارین ان قدیملریندن ایکسی، اورتا آسیادان، دربند کنجیدی و آذربایجان یولو ایله، ایکسی چای آراسینا (بین النهرین) و چاغداش ایرانین جنوبی (خوزستان) اراضی لرینه اولموشدور. اونلارین بیرینجیسی سومنلر(شومنلر) ایکینجیسی ایسه اوندان بیر قدر سونرا ایلاملار اولموشلار. تاریخ معلومدور کی تورک دیلی ائلر اسلامدان اوول کی نچه مین ایل سوره سینده ایکسی مهم، اساسی و یاییلمیش ایفبانین یارادانی اولموشلار: میخی ایفبا و اورخون یئنی - سنی ایفباسی. تاریخی آراشدیرمالار گؤستریرکی، بوالیقلارین هر ایکسی معین درجه ده، قدیم آذربایجاندا یاشامیش تورک ائلری داخلینده یاییلمیشدیر.

۱. میخی ایفبا ایلک، اوول اثرامیزدان(بیر قوم آدی) اول دؤزدونجو مین ایلیکده ایکسی چای آراسیندا سومنلر طرفیندن یارانیب یاییلمیش و عینی زاماندا، آز سونرا ایلاملارین دا ایفباسی اولموشدور. بوالیقا میلاددان قاباق دؤرد، اوچ، ایکسی و بیرینجی مین ایلیکلرده یاخین شرق منطقه سینین بوتون تورک دیلی ائلری نین (ایلام، کاسی، ائللیپی، هورری، قوتتی رولوی، هیت، اوراتو، ماننا، ماد... ) هابئله سامی دیلی خالقلاری نین ( آسوری لر، اکندی لر ) و داها سونرا هند - اروپا دیلری نین ( فارسار) ایفباسی اولموشدور.

اثرامیزدان اوول، ایکینجی و بیرینجی مین ایلیکلره عاید میخی ایفبادا اولان داش قازما لوحه لره ایسته نیلن قدر آرازین جنوبوندا (شوبه سیز شمالیندا) موجوددور. بو لوحه لر ماکسی، قره ضیاء الدین، بسطام، ائل اوغلو، اهر، سراب، خیوو (مشگین شهر)، خوی، سلماس، اورمیه، ماراغا و... تورپاقلاریندا ایلام دیلینده موجوددور. تأسفله قنید ائتمک لازیمدیرکی خلخالین جنوبوندا کی لوحه قاچاقچی لار واسیطه سیله آرادان یاییلمیشدیر.

۲. اورخون یئنی - سنی ایفباسی نین واختیله آذربایجاندا یاشامیش معین تورک ائلری داخلینده یاییلمیش و اونون نتیجه سینده آذربایجاندا اولماسی احتمالی بعضی عالیمریمیز طرفیندن ایره لی سورولموشدور، لاکین بو مسئله احتمال اولاراق قالیردی.

تاریخی آراشدیرمالاریمیز نتیجه سینده اورخون - یئنی سنی ایفباسیندا قازلمیش لوحه لرین آذربایجان دیاریندا اولماسی فیکرینی، اؤز نظریمیزده قطعی لشدیردیکدن سونرا، اونلاری آریب آختارماغا باشلادیق، بو آختاریشلار نتیجه سینده کنچن ایلین یاینندا بو ایفبانین آذربایجاندا ایلک ایز و نمونه سینین پارچالانمیش یونولموش داش اوزه رینده تبریزین ۳۰-۴۰ کیلومتر شمال غربینده دولت بؤلگولرینه گؤره گونئی محالیندان اولان، میشو داغی نین جنوب یاماجلاریندا آخان ورکش چایی آخاریندا یئرلشن سار و موزونبار کندلری اطرافیندا ائد ائتدیک.

قنید ائدک کی اورمیه نین جنوب غربینده یئرلشن زئوه خزینه سیندن تاپیلیمیش گوموش بشقاب اطرافیندا کی هیروگلیف یازی نین بیر سیرا حرفلری، فیکریمیزجه، اورخون - یئنی سنی ایفباسی نین لاپ ایلکین وابتدایی فورمالارینی خاطرلادیر، اؤزلری ده اثرامیزدان اوول ایکینجی مین ایلیگین ایکینجی یاریسینا عایدیر.

عزیزیم قاش ایمه رم

آغاجی یاش ایمه رم

اوزانیب جاندا وئرسه

نامرده باش ایمه رم

## زبان تورکی و تأثیر آن بر سایر زبان ها

اگر می بینیم زبان انگلیسی به دلیل پیشرفته بودن کشورهای انگلیسی زبان از لحاظ تکنولوژی، اغلب واژه های فنی و علمی سایر زبان ها را تشکیل می دهد و یا زبان عربی به دلیل این که اکثر متون اسلامی به این زبان نوشته شده اند، واژه های مذهبی ملل مسلمان را از آن خود می کند، به این مهم دست می یابیم که زبانی قدرتمند مانند زبان تورکی که متکلمان آن صدها سال بر شرق و غرب عالم حکومت کرده اند حتما باید ردپایی در سایر زبان های جهان اعم از فارسی، عربی، انگلیسی، روسی، چینی و... داشته باشد. بی شک در این میان، زبان فارسی بیشتر از سایر زبان ها تحت تأثیر زبان تورکی قرار گرفته است که این امر از سه دلیل عمده نشأت می گیرد:

- ۱ - حاکمیت تورک ها بر ایران؛ که فقط پس از اسلام تورک ها ۱۱۰۰ سال بر این سرزمین حکومت کرده اند.
- ۲ - کمبود واژگان زبان فارسی که باعث شده واژگان بسیاری را از زبان های عربی، تورکی و فرانسوی و... قرض بگیرد. بیش از یک چهارم واژگان فارسی امروزی، عربی هستند و زبان تورکی بعد از عربی بیشترین واژه را به زبان فارسی داده است.
- ۳ - ترکان پارسی گوی؛ اکثر شعرای زبان فارسی تورک زبان بودند و آن نیز به ساختار شعری زبان فارسی از لحاظ آسانی اوزان و نیز مدح اشخاص برمی گردد.
- زبان تورکی به دلیل التصاقی بودن، صرف و نحو آن با ضابطه و قانون مدارست و بی قاعدگی در آن مشاهده نمی شود. چند مثال و نمونه از هزاران واژه تورکی در زبان فارسی و سایر زبان ها در زیر آمده است: (لازم به ذکر است این واژگان به صورت اتیمولوژیک توسط آقای محمد صادق نائیب مورد بررسی قرار گرفته و با منابع کهن تورکی، ریشه آنها استخراج گردیده است).
- ۱ - آباد = آوا، اووا، آواد: از ریشه تورکی به معنای جام خرم و سرسبز؛ ریشه آن (اوب = محل زندگی) است که به صورت پسوند در نام برخی روستاها هم مشاهده می شود. در حقیقت محل زندگی آدمی را آبادی می گویند نه جای پر آب را! اگر غیر از این بود باید دریاها و اقیانوس ها جزو بزرگترین آبادی ها به شمار می آمدند.
- ۲ - او = او؛ از ریشه تورکی سومری، ضمیر اشاره برای جاندار و بی جان.
- ۳ - استاد = اوستا = اوس (عقل و درایت) + تا (پسوند اسم ساز): عاقل، با درایت. به صورت استاد وارد عربی هم شده است.
- ۴ - بشکه = بوش (خالی) + قا (پسوند اسم ساز): تو خالی، تو دار.
- ۵ - بلوک = بؤلوک = بول (بولمک = تقسیم کردن) + اوک (پسوند) = تقسیم شده، به این صورت وارد زبان انگلیسی شده است.
- ۶ - شغال = شاغال = چاغال = چاققال = چاق (چاخماق = برق زدن، با سرعت زدن) + قال (پسوند اسم ساز) = حیوان برقی و تیز، به صورت جقل در عربی، shackal در آلمانی، jackal در فرانسوی و chackal در انگلیسی وارد شده است.
- ۷ - قپز = قوپوز = قوپ (= خوب) + وز (پسوند اسم ساز) = شادایانه، نوعی ساز، وجه تسمیه آن به خاطر ایجاد سرور و شادی بوده است.
- ۸ - قاشق = قاشیق = قاشی (قاشیماق = کندن) + یق (پسوند) = وسیله خوردن.

منابع: ۱. یک هزار واژه تورکی در فارسی - محمد صادق نائیب  
فرهنگ تورکی - فارسی پرویز شاحمرسی

عزیزیم سودا یانندی

سئل کسدی سو دایانندی

عشق اودونا سو توکدوم

آیشدی سودا یانندی

## سن نه قدر آغلاياسان

سن نه قدر آغلاياسان  
من سيز اوره ك باغلاياسان  
غم نن جوشوب چاغلی ياسان

گوللم سنین آجیغینا

اوره ییمی بولمه ییم له  
سنی گیزلین سنومه ییم له  
گوزباشیمی کؤینه ییم له

سیللم سنین آجیغینا

ایستییرسن ، سن قالاسان  
آغیزلارا سوز سالاسان  
منندن انتقام آلاسان

اؤللم سنین آجیغینا

سولدوروسان دیله ییمی  
سیندیریسان کوره ییمی  
سن نن اوترو اوره ییمی

بؤللم سنین آجیغینا

## داور زمانخانی

### کوسموشم

کوسموشم من کوسموشم گوزلر اومانان کوسموشم  
دوینادا گوزلر یوموب والله یاتانان کوسموشم  
من بی رحمی او باخیش نازلی گوزوندن کورمه دیم  
باخمیان نازلی گوزوندن، هر باخیشدان کوسموشم  
بیر کوزم اوت ایچره کونلوم یلره من اتمیشام  
بیر یاغیش تک سوندورن هم یاندیراندان کوسموشم  
رسمیدیر بیر یول توتولسا بیر طرفدن یول وئر  
ایندی بو یولچو گوزوم هر دم بو یولدان کوسموشم  
هر کنجه مسجدره باش چکمیشم باغلی قالیب  
کوندوزوم میخانه یاتمیش می نمازدان کوسموشم  
کونلومی هنج کیسه منیم تک یالقیزا وترمز ساتار  
بیزلری چرچی ساتانلار تک آلتانان کوسموشم  
غملر ایچره دوشموشم بوغدی دیزلر بیزلری  
قورخورام غملر قاچا غمسیر آمانان کوسموشم  
کوسموشم هر آغلاماقدان آغلامیم هر کولماغا  
قاشمیشام من هر کولوشدن آغلیاندان کوسموشم  
سوز بودور یانمیش بو کونلوم یاندیریر اطرافیمی  
هامی قاشمیشدیر گوزومدن قان داماردان کوسموشم  
هر کسه بیر سوز دندی دیللرده سوزلر قوبدولار  
یاندیران سوزلر چوخالمیش من بو آزدان کوسموشم  
یا بئله دیوانه سنن یا مذهبی مستانه سن  
یا باشیندا عقل اولان هامیسیندان کوسموشم  
دای اجل ناز ایلیم بیر ای کاش بو یاریم جان آلا  
جانیمی جانیدان آلا والله بو جانان کوسموشم  
تا کوسوبدور شان آیم من تک دلی آی اولدوزام  
من بوتون عالم اتیب یاری آتانان کوسموشم

محمدعلیزاده

## اورمو گؤلوه

اورمو گؤلوه ایلار بویو آغلادی  
آغلابیب آخیر اوره بین داغلادی  
ایندی سه هجیرینده یانان دالغادی  
اورمو گؤلوه کوز باشیوا نه کلدی؟  
بو جور یاشدا کوز باشیوا نه کلدی؟  
اورمو گؤلوه داده ینتن یوخدو یوخ  
غم سوزونه قولاق وئرن یوخدو یوخ  
آغلار گوزون یاشین سیلن یوخدو یوخ  
چن چکیلیب کوز قاشیوا نه کلدی؟  
بو جور یاشدا کوز باشیوا نه کلدی؟  
اورمو گؤلوه چایلارینی دانلاماز  
سوز دنمیه خوروز کیمین بانلاماز  
ساکیت یاتیب دردین اوزگه آتلاماز  
چایدا اولان سیر داشیوا نه کلدی؟  
بو جور یاشدا کوز باشیوا نه کلدی؟  
اورمو گؤلوه ...

## امید الهامی علمداری

### دوسلاریم

کنچدی عؤمور، سولدو منیم گوللریم  
بیر سنوکیدن یارالاندیم، کؤینه دیم  
تکجه وطن عشقینی من دینله دیم  
آذربایجان سنده قالدی ایزلیریم  
بیر گون گلر منده کؤچوب گندرم  
او سنوگیمین گوز یاشینی گوره رم  
قبریم اوسته سیزی آغلار گوره رم  
آدوسلاریم سیزده قالدی اوره ییم

### بالقیز - کامیوتر ۸۶

سن گولومسنن دین منه  
منده بیلدیم بیلمه دین  
نه هؤووش ننیله یننه  
آلمانی گتدیم سنه  
قاچدی حیرسلی باغ صاحب  
تنز دالیمجا چوخ بیتاب  
آلما آغزیندا سنین  
قاش قاباقلار دانیم  
آلمانی آتدین ینره  
اوز چنویردین گنتمه یه  
آتدیمین خیش - خیش سسی  
دولدو میریم کاسه سی  
سن گئدن گوندن بری  
چوخ اوزولدوم من پری  
چوخ دالیمجا باخمیشام  
ایللری چوخ سایمیشام  
گاهدا فیکره دالمیشام  
باخچامیزدا چوخ آغاج  
آلما اولایدی بیرسی کاش

جنوبین: سیاوش حبیب زاده



## حیکایه

### • سنی پوزارام اۆزومو بازارام

گونلرین بیرینده حاکیم، موللایا امر ائله بیر کی سارایدا اولان آخماقلارین سیاهی سینی توتوب اونا وئرسین. موللا حاکیمین فیکرینی باشا دوشور، بیلیر کی او آدلاری آخماقلار سیاهی سینا دوشموش اعیانلاری اله سالیب اویناتماق ایسته بیر. موللا بونودا باشا دوشور کی، سونرا بو اعیانلارین هامیسی اونا دوشمن اولجاقلار. چوخ فیکیر - خیالدا، گۆتور - قويدان سونرا بۆیوک بیر کاغید گۆتوروب باشیندا یازیر : «حاکیم سارایینداکی آخماقلار». واراغین اورتاسیندا دا ایری خط ایله بیرجه حاکیمین اۆز آدینی یازیب اونا وئریر.

حاکیم آخماقلار سیاهی سیندا تکجه اۆز آدینی گۆرچک دلی اولور، جین وورور تپه سینه، سوروشور: بو ندیر؟ موللا دئییر: آخماقلارین سیاهی سیدیر.

حاکیم دئییر: دئمک، سنین فیکرینجه، بو سارایدا بیرجه آخماق وار، اودا منم؟

موللا دئییر: بلی قبیله عالم، سندن آخماغینی تاپا بیلمدیم!

حاکیم دلی کیمی قیشقیریب سوروشور: سن نه ایله ثبوت ائیله یه بیلرسن کی من آخماغام؟

موللا دئییر: قبیله عالم ساغ اولسون، سن اۆزون منه تاپشیردین کی سارایدا کی آخماقلارین سیاهی سینی توتوم. دئمک، سن اۆزون بیلیرسن کی، بورایا بیغیلان وزیر- وزرانین، وکیل- وکلانین هامیسی اولماسادا چوخو آخماقدیر!!! ایندی کی سن اۆزون بونلارین آخماق اولدوقلارینی بیله- بیله بو سارایا بیغمیسان، اۆز لرینی ده بئله حۆرمت - عزتله ساخلا بیلرسن، دئمک ان بۆیوک آخماق ائله سن اۆزون سن.

حاکیم باخیر کی موللا یامان یتردن توتوب، سۆزونون قاباغیندا سۆز دئییه بیلمه یه چک، بیر آز فیکیرلشیب دئییر: یاخش، اگر

من سنه ثبوت ائله سم کی بونلارین هنج بیرسی آخماق دئییل اوندان نجه؟

موللا دئییر: اوندان ائله یئنه ده سیاهییدا بیرجه سنین آدین قالاچاق.

حاکیم سوروشور: نندن؟

موللا دئییر: اونا گۆره کی آخماقلارین سیاهی سین توماغین سن منه امر ائله میسن. اگر ثبوت اولونسا کی سارایدا آخماق

یوخدور، اوندان دئمک اصل آخماق سن سن کی عقللی آداملاری آخماق حساب ائله بیلرسن!

حاکیم گۆرور یئنه ده تومادی، لاپ دلی اولور. دئییر: ایندی من ثبوت ائله سم کی بو سارایدا بیرجه آخماق وار اودا سن سن اوندان؟

موللا دئییر: یئنه ده سیاهییدا سنین آدین قالاچاق.

حاکیم سوروشور: یئنه نییه؟

موللا دئییر: اونا گۆره کی عقللی آدام آخماقلارین سیاهی سین توماغین آخماغا تاپشیرماز!!!

حاکیم دئییر: ایندی من جلالادی چاغیریب سنین دلینی دبیندن کسدرسم نجه؟

موللا دئییر: اوندان سیاهییدان سنین آدینی پوزوب اۆز آدیمی بازارام کی بیرده هنج کس آخماق ایله ییب سنه سۆزون دوزونو دئمه سین!!!

### • سن گونده گلیرسن

نجه اولورسا، موللا بیرسی ایله ساواشیر، اونا توتوب آپاریرلار حاکیمین یانینا. سن دئمه، بیر نجه گون اوندان قاباق دا بیر سورون

اوجون موللاتی همن حاکیمین یانینا آپارمیشدیلا. حاکیم موللاتی گۆرچک دئییر: «موللا هنج سنه عاییب دئییلمی؟ بونولا

ایکینجی دفعه دیر کی سن بو دیوانخانایا گلیرسن.

موللا سوروشور: بو دیوانخانایا گلنده نه اولار کی؟

حاکیم دئییر: نجه یعنی نه اولار؟! سن بیلیرسن کی بورایا دوز آدام گلمز؟

موللا دئییر: بالام من عۆرمومده وور- توت ایکی دۆنه بورایا گلیمش، سن ائله گونده بوردا سان کی!!!

## اورمو گوئو ...

دست بی تاب و بی قرارم نای نوشتن ندارد و دل اندوهگینم در مانده از این که، به چه کسی شکوایه ببرد. فقط می تواند خود دریاچه را خطاب قرار دهد و او را شایسته مرگ داند چرا که اوست تبدیل کننده بهشت ما به دوزخ، آرامش ما به آشفتگی و شیرینی زندگی به شورترین نمک ها!

آری، باران برای نیاریدن، سد برای مانع بودن، چشمه برای نجوشیدن، پل برای جداکننده بودن، کشاورز برای مصرف کردن، مجلس برای رای ندادن، دولت برای اعتبار نبخشیدن، همایشها برای نتیجه ندادن و ... و بادها برای ورزش و پراکنده کردن اجزای تو پس از مرگت، همه و همه توجیه دارند و تنها تویی که نمی توانی دلیل بودنت را توجیه کنی! آیا شایسته مرگ و نابودی نیستی؟ ناخواسته مروج ریا و دوگانگی شدی که هرکسی تو را وسیله قرار دهد و برای رسیدن به مقاصدش وعده هایی دهد. به صندوق رأی تبدیل شدی که هر جناح و حزبی برای پیشتازی به تو رجوع کند. نمی دانم فلسفه وجود تو همین بود که کار آمدی و ناکارآمدی جناح ها را نشان دهی؟

به راستی اگر تو نبودی این همه وعده های بدون عمل، مصوبه های بدون بودجه، همایش های بی نتیجه با پول بیت المال حرف و حدیث های تبلیغاتی و ... در میان بود؟ اگر تو نبودی تیترا اول روزنامه ها و مجله ها چه بود؟ غیر از مشکلات و دغدغه های جامعه ما؟ آیا غیر از این است که دغدغه های جامعه را با وسعت خود پوشانده ای؟ خود انصاف کن آیا شایسته مرگ نیستی؟ همه دریاها آرامش می بخشند و هرکسی در کنار آن ها لذت می برد و بیجا نیست که سواحل خزر، مدیترانه و ... زیانزد شده اند ولی تو دل ها را آزرده می کنی و چشم ها را گریان. چشم های زمینی اشک های خود را به تو هدیه می دهند و چشم های آسمانی تحمل دیدن سرخی وحشتناک تو را ندارند. نمی دانم آیا مرگت آرامش بخش خواهد بود؟

شاید با مرگت آسمان و باران را از اتهام تبرئه کنی. چه مرگ مقدسی خواهی داشت! پس از تو ظن و بدگمانی، حرف های بدون عمل و کشاورزی با آب های زیرزمینی همه از بین خواهند رفت و در غیاب تو همه خود را مقصر خواهند دانست و حرفی برای گفتن نخواهد بود. با مرگت نه پل خواهیم داشت و نه عوارضش را! با مرگت شاید کشاورزی مکانیزه شود و احتیاجی به سد نباشد!

ولی نه! می دانم سرنوشت من و تو به هم گره خورده است، اگر تو نباشی نه من خواهم بود نه آسایش و نه حیات. فقط پادهای دوزخی خواهند بود که با گلوله های نمک مردمان نابخرد را به خاطر ظلم به تو عذاب خواهند داد. تو همان فرشته نجاتی هستی که با حل کردن گلوله های نمکی در وجودت، خود را قربانی کردی تا پیرامونت حیات باشد و ارزش تو نیز به همین خاطر است. دریاچه بانمکم! شایسته مرگ ماییم که قدر و ارزش تو را ندانستیم و هر روز با کارهای نسنجیده خود زخمی بر زخم های تو افزودیم و تشنه تر از هر روز به حال خود رهایت کردیم.

آری ما مقصریم و شایسته مرگ، تو بمان!

نشریه دانشجویی فرهنگی، ادبی، هنری و ورزشی  
دانشگاه اورمیه

صاحب امتیاز و مدیر مسئول، عزت الله قلی زاده  
زیر نظر شورای سردبیری  
ویراستار، سیاوش حبیب زاده  
طراح و صفحه آرا، محمد مجرب - عارف دیانتی

همکاران این شماره: محرم خورشیا - محمد قاسم زاده - فتح الله محمدپور  
با تشکر ویژه از امید الهامی علمداری دبیر کانون شعر و ادب دانشگاه اورمیه



دیروز امروز فردا

لوگوی نشریه نشان دهنده سیر تدریجی خشک شدن دریاچه اورمیه است.

دنیاز کلمه ای تورکی به معنای دریا می باشد.